



به مناسبت ولادت امام کاظم(ع)؛ شش فرقه انحرافی زمانه امام کاظم(ع)/ باب الحوائج همه عالم

بعد از شهادت امام صادق(ع) دسته ها و فرقه های مختلفی در تشیع پدید آمد و شرایط را در دوران امامت امام کاظم(ع) دشوار کرد. لذا شش فرقه در زمان آن حضرت پدید آمد.

بعد از شهادت امام صادق(ع) دسته ها و فرقه های مختلفی در تشیع پدید آمد و شرایط را در دوران امامت امام کاظم(ع) دشوار کرد. لذا شش فرقه در زمان آن حضرت پدید آمد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: امام کاظم(ع) در ابوا که محلی بین مکه و مدینه بود از بانوی مکرمه ای به نام حمیده به دنیا آمد. آن امام بزرگوار سال های زیادی در زندان هارون الرشید قرار گرفته بود و در نهایت هم به دستور او به شهادت رسید. به مناسبت ولادت این امام بزرگوار گفتگویی با دو تن از کارشناسان دینی کشور انجام دادیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید.

حجت الاسلام رجالی تهرانی در مورد فرقه هایی که در زمان امام کاظم(ع) پدید آمد گفت: بعد از شهادت امام صادق(ع) دسته ها و فرقه های مختلفی در تشیع پدید آمد و شرایط را در دوران امامت امام کاظم(ع) دشوار می کرد. از طرفی زندان های مکرری که امام کاظم داشتند باعث می شد که ارتباط ایشان با شیعیان کمتر باشد و از همین جهت مردم مقداری در تنگنای معنوی قرار می گرفتند.

شش فرقه انحرافی در زمان امام کاظم(ع)

وی افزود: آن طور که نقل شده پس از شهادت امام صادق(ع) شش فرقه به وجود آمد. دسته اول کسانی بودند که به مهدویت امام صادق(ع) قائل شدند و گفتند امام از دنیا نرفته و همان مهدی موعودی است که پیامبر نوید داده و بنابراین بر امام صادق(ع) توقف کردند و امام بعدی را نپذیرفتند.

وی افزود: گروه دیگری که تشکیل شد بر مهدویت اسماعیل اصرار داشتند. اسماعیل یکی از فرزندان بسیار با فضیلت و عالم امام صادق(ع) بود که هیچ ادعایی بر امامت نداشت اما پس از اینکه از دنیا رفت عده ای جمع شدند و گفتند اسماعیل از دنیا نرفته و زنده بوده و بعد از امام صادق(ع) اوست که امام ماست و مهدی موعود هم اوست. لذا فرقه اسماعیلیه را تشکیل دادند در صورتی که وقتی اسماعیل از دنیا رفت، خود امام صادق مردم را به تشییع جنازه دعوت کرد و تشییع جنازه مفصلی برگزار شد و امام چنین بار دستور داد که تابوت اسماعیل را بر زمین بگذارند و حضرت کفن را از صورت اسماعیل کنار می زد و می فرمود مردم ببینید که این اسماعیل است و از مردم اعتراف می گرفت. بارها این کار را انجام داد که مردم بدانند که اسماعیل از دنیا رفته و زنده نیست.

رجالی تهرانی ادامه داد: فرقه دیگری که در زمان امام کاظم(ع) به وجود آمد عده ای بودند که به مرگ اسماعیل اعتراف کردند اما پسر او یعنی محمد را به عنوان مهدی موعود نام نهادند.

وی گفت: فرقه دیگر گروهی بودند که عبدالله ابن جعفر که یکی از فرزندان امام صادق بود و به عبدالله افطح معروف بود، جانشین امام صادقین داشتند. لذا آنها فرقه فتحیه را تشکیل دادند و به این عنوان هم مشهور شدند.

این کارشناس دینی ادامه داد: فرقه دیگر معتقد بودند محمد ابن جعفر که از فرزندان دیگر امام صادق بود و بسیار زیبا رو و با فضیلت و دانشمند بود و به محمد دیباج معروف بود، او را پیشوای خود قرار دادند و فرقه دیگری را علم کردند. گروه آخر که اکثریت هم بودند، کسانی بودند که به امامت امام موسی ابن جعفر قائل شدند و به هیچ فرقه دیگری گرایش پیدا نکردند.

وی افزود: بنابراین خود این مسئله که در دوران امام کاظم(ع) شش فرقه در بین شیعیان تشکیل شده بود نشان می دهد که آن عصر، بسیار حساس بوده است، ضمن اینکه از آن طرف دشمنان امام از جمله مهدی و یا هادی عباسی و خصوصا هارون الرشید بر علیه امام دندان تیز کرده بودند و امام را دشمن درجه یک خود می دانستند و بارها آن حضرت را به زندان انداختند.

من امام دلهای مردم هستم

وی گفت: در یکی از سفرهایی که هارون به مکه داشت جاسوسان حکومت به هارون اطلاع دادند که مردم به امام کاظم مراجعه می کنند و وجوهات خود را به حضرت می دهند و بنیه اقتصادی آن بزرگوار در حال قوی شدن است. آنها هم از این مسئله می ترسیدند. وقتی هارون امام کاظم را در کعبه دید، با لحن توهین آمیزی به امام اشاره کرد و گفت تو همان کسی هستی که مردم مخفیانه با او بیعت می کنند؟ کنایه از اینکه من از کارهای تو خبر دارم. امام کاظم(ع) جمله ای حکیمانه بیان کردند که ای هارون تو پیشوای اجساد مردم هستی و من امام دلهای آنها هستم. یعنی تو با نیرنگ و زر و زور در صدد این هستی که دل های مردم را برای خود کنی در حالی که دل های مردم با تو نیست و ما خاندان پیامبر کسانی هستیم که دل های مردم را تسخیر کردیم و قلوب آنها با ماست.

رجالی تهرانی ادامه داد: ماجراهایی که بین امام کاظم و هارون گذشته است، نشان می دهد که هارون از جهاتی نسبت به امام ترس و خوف داشت و همین باعث می شد اقدامات زیادی بر علیه امام انجام دهد. هم به جهت اینکه شخصیت امام را بشکند و هم اینکه با به زندان انداختن امام، شرایط را تحت کنترل خود قرار دهد.

وی گفت: یکی از دلایلی که باعث می شد هارون نسبت به شیعیان امام کاظم واکنش نشان دهد، موقعیت اجتماعی و نفوذ معنوی موسی ابن جعفر بود. طبیعی است که امام با اخلاق و رفتار و علم خود، هر چه مردم بیشتر با امام مانوس می شدند و از فضایل امام بیشتر برخوردار می شدند و برای آنها این سوال ایجاد می شد که تا وقتی چنین امامی که نظیر ندارد در بین ماست، چرا باید کنار باشد و هارون مسند خلافت را عهده دار باشد. لذا وجود امام از این جهت برای هارون خطر ایجاد می کرد. وی در پایان گفت: نقل می کنند مامون زمانی که به حج رفته بود امام کاظم(ع) را می بیند. مامون می گوید پدرم هارون احترام و عزت زیادی به امام کاظم گذاشت. به پدرم گفتم شما که با او دشمنی دارید چطور اینقدر ابراز محبت و ارادت می کنید؟ هارون می گوید من خودم قبول دارم که بهترین فرد در زمین همین موسی ابن جعفر است اما بدان ملک عقیم است و اگر تو که پسر منی بخواهی در امر حکومت در مقابل من بایستی سرت را از بدنت جدا می کنم.

تقابل فکری و فرهنگی امام کاظم(ع)

حجت الاسلام حسین شهامت در گفتگو با [خبرنگار مهر](#)، در مورد فرقه های دوران امام موسی کاظم(ع) گفت: در زمان امام کاظم(ع) و بعد از حضرت امام باقر و صادق(ع) تقابل فکری و فرهنگی همچنان ادامه پیدا کرد. در زمان امام صادق(ع) سوالات و شبهات مختلف، رتق و فتق و پاسخ گفته شد طبیعتا اما بعضی از اثرات آن تا زمان امام کاظم و کم و بیش بعدا هم ادامه داشت.

وی افزود: در زمان امام کاظم(ع) یکی از جریاناتی که برجسته شد بحث توقف بود که در زمان ایشان بعضی از پیروان متوقف شدند. و نوعی رخنه در میان طرفداران تشیع پیش آمد. به خاطر شرایط خاصی که برای امام کاظم(ع) پیش آمده بود اعم از زندانی شدن ایشان و استبداد حکومت شرایط سخت تری پدید آورد. شهادت ها و حبس ها و مشکلات مانع روشنگری نور اهل بیت نشد.

مواجهه سیاسی امام کاظم(ع) با خلفای عباسی

این کارشناس علوم دینی درباره مواجهه سیاسی امام کاظم(ع) با خلفای عباسی گفت: در مواجهه امام کاظم(ع) دو نکته مهم وجود دارد. یکی همین بحث مواجهه سیاسی امام کاظم(ع) با خلفای عباسی و زندانی بودن حضرت است که در میان همه فرق معروف است و همه نقل کرده اند خود این زندانها نشانگر عدم سازش امام با حکومت است. خلفای عباسی می دانستند که امام کاظم از نسل و فرزندان پیغمبر(ص) است و شخص مطرحی در میان جمع بزرگی از مسلمین و شیعیان هستند. اینکه امام را به زندان انداختند احساس خطر بزرگ از ناحیه امام کرده بودند. این همان اصطکاک و درگیری میان جبهه حق علیه باطل بود که در زمان امام کاظم(ع) به شکلی بود که خلفای عباسی نتوانستند آزادی امام را تحمل کنند لذا در تاریخ داریم حضرت را از زندانی به زندان دیگری منتقل می کردند حتی در زندان افراد تحت تاثیر عقلانیت، حکمت، و استدلال های متین امام قرار می گرفتند و مومن به امام می شدند. این یک نکته بسیار مهم است و یک نکته درباره امام کاظم(ع) که قدری کم به آن پرداخته شده است این است که نسل فاخر نبوت و پیغمبر اعظم و اینکه پیغمبر(ص) این هم به ذره خود تاکید داشتند از طریق امام کاظم(ع) رشد و توسعه پیدا کرد. به تعبیر دیگر آن اسلام ناب محمدی که در ولایت اهل بیت(ع) تجسم دارد به برکت نسل موسی بن جعفر(ع) در هم جای عالم منتشر شد.

وی افزود: خلفای عباسی با درگیر شدن و تبعید کردن و هجوم بردن به بیت امام همه شیعیان و ذریه آن حضرت را آواره کرده بودند. بعضی ها را زندان و بعضی ها را تبعید کرده بودند همین باعث شد که نسل موسی بن جعفر و امامزادگان فراوان در جای جای ایران و جهان پخش شوند و این باعث شد که از طریق موسی بن جعفر نسل نبوت و امامت در دنیا منتشر شود و اینها سبب شد امام زادگان به عنوان مرکز پخش نور و فرهنگ و تفکر شیعی نقش آفرینی کنند و این در پرورنده سراسر نورانی امام کاظم ثبت است.

روش تبلیغی امام کاظم(ع)

شهامت درباره روش تبلیغی امام کاظم(ع) هم گفت: امام از طریق فرزندان و همچنین از طریق وکلایی که تعیین می کردند و کسانی که تربیت کرده بودند، نقش آفرینی خودشان را داشتند. البته محدودیت زیادی داشتند ولی آن پیکره ای که چیده بودند و آن شخصیت هایی که در بدنه تشیع تربیت کرده بودند، این رسالت را انجام دادند.

وی ادامه داد: اینها با وسائلی می توانستند نقش خودشان را ایفا کنند حتی عواملی که امام در درون حکومت چیده بود کار شیعه را راه می انداختند و پیش می بردند و از گرفتاری را خلاص می کردند. این نور اگر چه پشت ابر بماند اما نورافشانی و تلاء و روشنگری آن برای جهانیان مستمر بوده و خواهد بود.

شهامت در پایان گفت: در پرورش یاران و شاگردانشان امام نقش آفرینی فوق العاده ای داشتند به گونه ای که وقتی از خراسان عده ای برای تعیین امام و مشخص شدن امام به سمت حجاز می آیند و با انبوهی از سوالات به سراغ محمد ابطح و دیگران که راه انحراف را پیشه کردند می روند و نتوانستند جواب سئوال هایشان را بگیرند، لذا وقتی آنها را نزد امام معرفی می کنند امام تا آنها را می بیند می فرماید کجا رفته بودید، سوی ما بیایید و سراغ کسی که میراث دار پیامبراکرم(ص) است بیایید و حضرت به سوالات آنها پاسخ می دهد.

شهامت درباره اینکه چرا به امام کاظم باب الحوائج می گویند گفت: شخصیتی که برای خدا این همه گرفتاری ها را تحمل کرد زندان ها و سختی ها را تحمل کرد از این حیث که خودش گرفتاری ها را تحمل کرد یک قرب خاصی از این جهت پیش خدا دارد البته همه اهل بیت در نزد خدا این مقام را دارند و شیعیان به خاطر این که امام کاظم(ع) این همه مشکلات را تحمل کرد

از ایشان می خواهند که از خدا بخواهد تا مشکلات ما را حل کند. از این جهت در میان شیعیان و علاقه مندان شیعه و سنی در عراق بسیاری از مسلمانان برای رفع مشکلات متوسل به امام کاظم(ع) می شوند. امام را واسطه فیضی برای حل مشکلاتشان می دانند.